

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا بِنَايَةِ الْإِسْلَامِ
مِيخِ نَقْلًا

بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

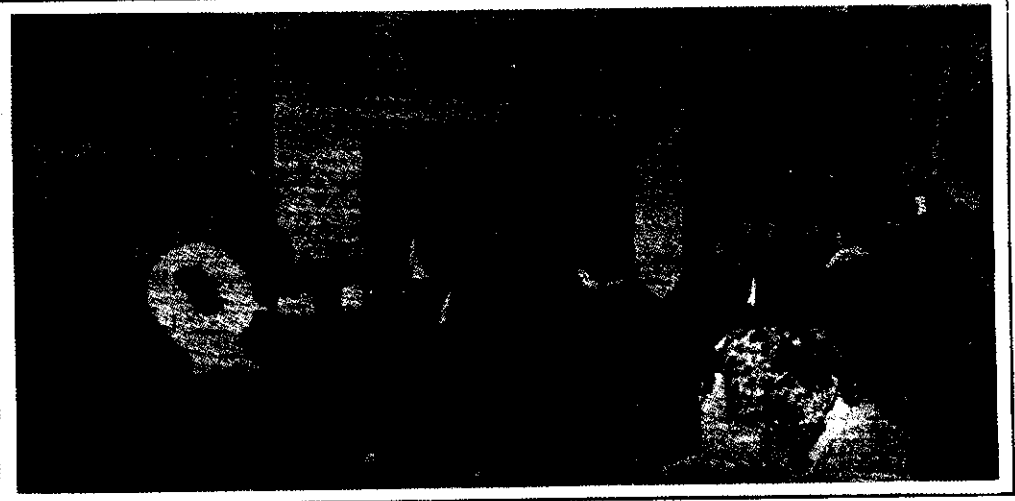
پرتال جامع علوم انسانی

قسمت اول

آشنایی
با بنیاد
تاریخ...



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



● پس از انتشار اولین شماره "یاد" در میان انتقادات یکسویه و همه سویه ای که به دستمان رسید، ناشناخته بودن " بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی " تقریباً " مورد اتفاق بود. بر آن شدیم که در " یاد " ، فصلی به عنوان " آشنائی با بنیاد ... " بگشاییم. خوشبختانه جمعی از کادرهای مجله، وزین " حوزه " بازدید از " بنیاد ... " و بخش های آن داشتند که ضمن آن آقای معادبخواه به تاریخچه کوتاهی از تاسیس بنیاد ... اشاره نمودند که می توان گزارش آنرا آغازگر این فصل قرار داد.



● سخنان آقای معادبخواه - دبیر کل بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی - در جمعه مسئولین مجله حوزه

البته آن روز قرار نبود این موسسه با نام بنیاد تاریخ کار خود را شروع کند به بیانیسی تنها قرار بود موسسه ای تشکیل شود که هدف آن مطالعه و تحقیق در مورد تاریخ باشد. در اولین جلسه ای که این مسئله عنوان شد محذوراتی را من با ایشان در میان گذاشتم، ایشان هم قول دادند: که این محذورات بعداً برطرف خواهد شد. یک تفاوت دید و سلیقه

بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران خودش تاریخچه ای دارد که آشنایی با آن به شناخت در ست بنیاد کمک می کند. پیشنهاد آقای هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی نقطه آغاز کار بود. ایشان به مناسبتی عنوان کردند: خوب است شما در فراغتی که دارید چنین کاری را شروع کنید.

کلی ای هم وجود داشت بدین معنی که ایشان تکیه شان روی سرعت در شروع کار بود ولی بنده عرض این بود که بگذاریم اساسنامه تصویب شود، شکل حقوقی و مرجع و بودجه کار هم معلوم باشد بعد کار را شروع کنیم. به هر حال با مجموعه گرفتاری هایی که ایشان داشتند من نمی توانستم روی این مسائل زیاد پافشاری کنم. در حقیقت قانع نشدم و لسی تسلیم شدم. بر حسب دید ایشان بنا شد کار را شروع کنیم و ضمن کار مراحل قانونی اش هم طی شود.

از منزل ایشان که بیرون آمدیم می خواستم این معنا را تعقیب کنیم، از لحظه شروع بسا یک سری مشکلات برخورد کردیم که در بخش مشکلات به آن اشاره خواهم کرد. اجمالا اولین کسی را که من دعوت کردم تا با هم بنشینیم و مشورتی بکنیم، آقای مهدی کلههر بود که هنوز هم در خدمتشان هستیم. سابقه آشنایی با ایشان بر می گردد به وزارت ارشاد اسلامی. مشورت هایی هم که با ایشان داشتیم بر می گردد به سابقه آشنایی هایی که ایشان با مسائل هنری دارند ضمن اینکه ذوق کار تحقیق را هم در ایشان سراغ داشتیم.

مسافرتی برای من پیش آمد که باعث شد یکمقداری کارها عقب بیفتند. اما بلافاصله بعد از مسافرت اولین جلسات برای تهیه طرح کلی کار تشکیل شد. در جلسات اولیه عده ای از همکاران ما که الان هم هستند حضور داشتند از جمله آقایان کلهر، مدرسی، واحد، آقای حجت که اکنون سمت ریاست شورای طرح و

برنامه صدا و سیما را دارند. و آقای بروجردی، تعداد این جلسات دقیقا " یادم نمی آید ولی بصورت سیار در منازل تشکیل می شد تا اینکه طرح کلی کار برآورد بودجه آن مشخص گردید.

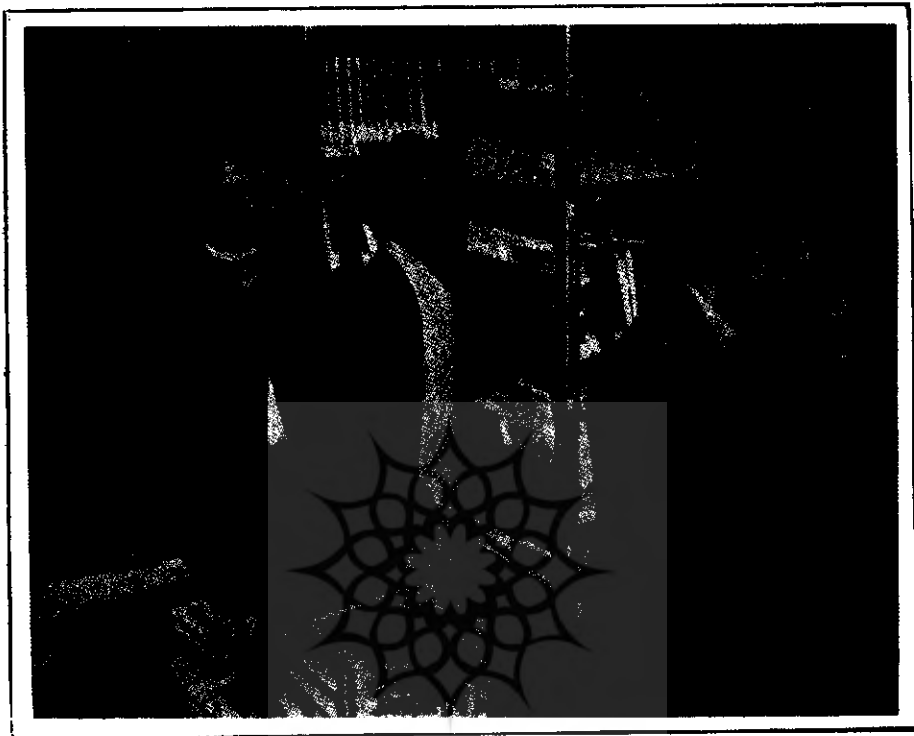
از روز اول که این پیشنهاد مطرح شد یک چهارچوب کلی مورد توافق بود یعنی همگی توافق داشتیم آنچه می خواهد شروع به کار کند موسسه ای باشد غیر وابسته به سازمانهای دولتی و در راس آن افرادی باشند که ترکیب این اشخاص اعتمادها را برای همکاری جلب کند.

کسانی که مسلم بود حضور داشته باشند خود آقای هاشمی بود، آقای خامنه ای بود و حاج احمد آقا. طبعاً وجود هر کدام از این آقایان یک دلیلی داشت. خود من هم که قرار بود در هیئت موسس باشم، بعداً "تشکیل هیئت امنا نیز مطرح شد. از اینجا به بعد به یک دفتر مرکزی احتیاج داشتیم تا افراد دعوت شوند و این طرح کلی را تعقیب کنیم. البته به سفارش آقای خامنه ای سرمایه اولیه کار از نخست وزیری حواله شد. اما بعدها که کار ما یک مقداری پیش رفت و هسته های اولیه به وجود آمد و زمان شروع فعالیت های عملی فرا رسید اولین کمک را حضرت امام فرمودند. (یعنی کار با سرمایه حضرت امام شروع شد) تا اینکه مراحل بعدی پیش آمد که توضیح خواهم داد.

طرح کلی که تهیه کرده بودیم با این دید بود که تاریخ را و تاریخ انقلاب را بنویسیم برای این مهم بایستی از زوایای مختلف روی آن

لازم است . علاوه بر این دو ، بررسی تاریخ از دیدگاه فرهنگی مطرح می شود که این نسوع مطالعه و تحقیق ، کلا " با دو نوع بررسی که قبلا " ذکر شد متفاوت است یعنی محقق فرهنگی تاریخ همه مسائل مورد نظرش با آن

کار می کردیم برای اینکه تا به حال هر چه تاریخ نوشته اند بیشتر از دیدگاه سیاسی بررسی شده یعنی تاریخ های نوشته شده نوعا " تاریخ سیاسی هستند . صرفنظر از اشکالات دیگری که دارند . پس ما جوهر طرحمان این



کسی که تاریخ را از دید سیاسی یا اقتصادی نگاه می کند فرق می کند . از زاویه هنری هم بایستی به تاریخ نگاه کنیم . علاوه بر این چهار نوع بررسی ، با توجه به این مطلب که یکی از منابع تاریخ ، خاطرات است و متأسفانه کمتر به آن توجه شده . ما یک بخش هم تشکیل دادیم که به خاطرات رسیدگی کند و همه آنها را جمع آوری کند بگذریم از اینکه در مجموع یک بی تفاوتی نسبت به اصل تاریخ وجود دارد ، اما به خاطرات خصوصا " هیچ توجهی

بود که بایستی تاریخ از زوایای مختلف مطالعه شود . تاریخ یک زاویه اش مسلما " سیاست است یعنی حتما " باید استاد سیاسی یک تاریخ با حساسیت سیاسی مطالعه شود روی این بحثی نیست . اما همین تاریخ بایستی از دیدگاه اقتصادی هم مطالعه شود البته تاریخ نویس های چپ ، روی بررسی های اقتصادی تاریخ تأکید بخصوص دارند و گاه این کارشان شکل مبالغه بخود گرفته است . اما بهر جهت بررسی اقتصادی یک تاریخ همانطور که عرض کردم

سیاسی مسئولی در نظر گرفته شد برای بخش
خاطرات همچنین، برای بخش فرهنگی و هنری
هم همینطور.

بخش دیگری هم هست که فراموش کردم
عرض کنم و آن بخش رجال است این بخش
برای ما از این نظر مطرح بود که مناسبانه یک
هرز نویسی و هرزباوری در قضیه شرح حال
رجال رایج است. در تاریخ های ما شخص خیلی
راحت به خودش اجازه می دهد تا فردی را قدح
یا مدح کند بالا ببرد یا پایین بیاورد بدون
آنکه شناخت صحیحی از آن فرد بدست داده
باشد. و می دانید که این کار از نظر علمی
اصلاً "درست نیست و این عمل برای یک
مسلمان طبعاً "نادرست ترمی نماید. انسان
نمی تواند به همین سادگی شخصی را قدح یا
مدح کند. این هر دو کار ضوابط می خواهد،
موازن می خواهد. پس بخش رجال هم یکی
دیگر از هسته های فعال بنیاد تاریخ است.
به هر حال جای مسئول گروه اقتصاد خالی
بود همچنین گروه نظری، گروه نظری یک
مسئولی برایش پیدا شد اما گروه اقتصاد را
ناگزیر شدیم با گروه سیاسی ادغام کنیم گروه
فرهنگی و هنری را هم ادغام کردیم البته این
کار هم به دلیل نیافتن مسئول و هم به دلیل
ضعف امکانات انجام شد.

بالاخره قرار شد که مسئول هر بخش برود
و برای خودش طرحی بیاورد که از مجموع این
طرحها، طرح تفصیلی نگارش تاریخ فراهم
شود. تا این مرحله موفقیت های نسبی
داشتیم، بالاخره بخش ها هم هر کدام با
یک طرح مشخص مشغول کار شدند ولی هنوز آن

نشده است یعنی هیچوقت افراد مقید نبوده اند
خاطرات خودشان را در یک جریان تاریخی
حفظ کنند، ثبت کنند یا نگه دارند من یک
جای دیگر هم این را گفته ام، اگر ۱۰ تومان
پول از جیبمان بیافتد این را مصداق بارز
اسراف می دانیم، حرام و خلاف شرع هم
می دانیم و می گوئیم پول است و نباید از
بین برود با اینکه اگر هم فرضاً "۱۰ تومانی
که گمشده از بین برود هیچ اتفاقی نمی افتد
و در هر صورت سودش به جیب دولت خواهد
رفت. با اینهمه گم شدن ۱۰ تومان پول مهم
جلوه می کند. ولی در عوض اگر یک خاطره که
منحصر به فرد باشد از بین برود نه دلمان
می سوزد و نه اهمیتی برای آن قائل می شویم
در عین حال که ممکن است همین خاطره
میلیونها تومان ارزش داشته باشد.

پس به علت اهمیت زیادی که اکثر خاطرات
در دادن اطلاعات صحیح به تاریخ نویسان
دارند قرار شد که خاطرات را هم جمع آوری
کنیم و بر حسب اولویتها و اهمیتی که دارند
طبقه بندی شوند. یک بخش دیگر هم تشکیل
شد که به مسائل نظری تاریخ بپردازد.

همه این بخش ها با گرد هم آیی خود
هسته های اولیه بنیاد را تشکیل دادند با این
هدف که تاریخ ربع قرن اخیر را بنویسند.
طبعاً "در چنین موردی باید سبک و روش
و بینش حاکم بر این تاریخ نگاری معلوم و
مشخص باشد. ساده ترین راه این بود که برای
هر کدام از این بخش ها یک فردی را پیدا
کنیم که مسئول تشکیل آن بخش شود. این
کار بصورت ناقص انجام شد. برای بخش

طرح کلی و تفصیلی که از مجموع طرح های مربوط به هر بخش بایستی ارائه می دادیم بوجود نیامده بود .

در این موقعیت ها بودیم که کم کم وجهی که حضرت امام برای شروع کار داده بودند تمام شد بهمین علت بایست مشکل بودجه را از طریقی حل می کردیم .

یک چند صباحی طول کشید و ما این طرف و آن طرف مراجعه می کردیم تا بلکه این مشکل بودجه را بنحوی حل کنیم . بعضی وقت ها این وضعیت به شکل های ناجوری درمی آمد . در این بین آقای هاشمی پیشنهاد کردند که بیائید اصلاً " بنیاد تاریخ را متصل کنیم به آستان قدس رضوی . برای من از این نظر که در سایه حضرت امام رضا زندگی کنیم خیلی جالب بود اما به دلیل بعضی شناخت هایی که از آنجا داشتم احساس می کردم این مسئله امکان پذیر نباشد . یک گفتگویی هم مجدداً در این مورد پیش آمد و من به نظرم می رسید که این کار عملی نیست آقای هاشمی اصرار داشتند که این کار شدنی است و خیلی هم خوب است که ما هم تسلیم نظر ایشان شدیم .

به همین خاطر مسافرتی به مشهد کردیم که از ما بگرمی استقبال شد . در این سفر آقایان کلهر و واحد هم بودند . این استقبال بقدری گرم بود که هوسها و فکرهائی به سرمان زد و منشاء خوابها و خیالهای خوشی گردید ، هر چند حس ششم به زبان ویژه خود می گفت : این

استقبال گرم را بدرقه ای سردبه دنبال است از جمله مدتها در ذهن ما این بود که یک سمیناری تشکیل شود و مسائلی را که فکر می کردیم از نظر تاریخی مهم هستند در آن سمینار مطرح کنیم .

دوستان ما که امکانات عظیم آستان قدس را دیده بودند گفتند : از این بهتر چی؟! حتی با آقای طبسی هم مطرح کردند ، ایشان هم توافق کردند و گفتند اینجا همه جور امکاناتی برای برپایی چنین سمیناری داریم ، طوری که بنده دیگر چیزی نتوانستم بگویم و دوستان مصمم شدند که سمینار خیلی مفصلی برای تاریخ راه بیا نوازند .

از همان موقع آستان قدس کمک های مالی خود را شروع کرد ولی بعد از مدتی یسک نوساناتی در مواضع آقای طبسی پیش آمد و ابراز تردیدهایی کردند . بنده از اول هم فکر کرده بودم ممکن است که اینجور مسائلی پیش آمد کند . اما باز هم آقای هاشمی گفتند چیزی نیست و موضوع قابل حل است و یکبار دیگر که ایشان آمدند تهران مجدداً " گفتند که مانعی ندارد، بعد از یک مذاکراتی که شد گفتند مشکلی که به نظرشان می رسید حل شده است . آقای دکتر برادران را فرستاده بودند با قول مساعد . در این بین باز یک مسافرتی برای من پیش آمده بود و برای همین در غیاب من آقای کلهر با ایشان تماس گرفته بود و ایشان گفته بودند که من طی یک نامه ای به آقای هاشمی توضیح داده ام که بودجه آستان قدس کم شده و ما نمی توانیم این همکاری را

در این بین به جای آن سمینار تصمیم گرفتیم مجله‌های را منتشر کنیم که ارتباطی بین بنیاد و کسانی که عملاً "بنیاد با آنها کار می‌کند برقرار سازد که نتیجه اش همیشه فصلنامه " یاد " شد که اولین شماره آن در دهه فجر سال ۶۴ منتشر شد.

در حال حاضر بنیاد این بخش‌ها را دارد. بخش مسائل نظری - بخش مسائل سیاسی - اقتصادی - بخش فرهنگی - هنری - بخش خاطرات - بخش رجال و بخش اسناد و مدارک این بخش‌ها را انشالله بعد از صحبت‌های من بازدید خواهید کرد.

آنچه که توضیح مختصری لازم دارد این است که وقتی مرکز اسناد و مدارک تشکیل شد و قرار گذاشتیم اسناد را طبقه‌بندی کنیم یک مشکلی را احساس کردیم که تعقیبش منجر شد به ایجاد بخش "نمایه‌سازی"، که فکر می‌کنم به علت کاربرد مفصل این بخش، دوستان مایل باشند راجع به این بخش بیشتر توضیح بدهم.

داستان از این قرار بود که خیلی از اسنادی که گروه‌های مختلف می‌خواستند مطالعه کنند و احیاناً "یادداشتی بردارند مطالب مشترکی داشت که احتیاج بود از هم تفکیک شوند. بعنوان مثال، کل مجله خواندنیها را از دید فرهنگی می‌شود نگاه کرد، از دید هنری و اقتصادی هم می‌شود نگاه کرد. اما پنج - شش بار مطالعه کردن برای بررسی هر کدام از این دیدگاه‌ها کار مشکل و بعیدی به نظر می‌رسید

مذاکرات مجلس و مجلات مختلف دیگری هم وجود دارند که همین حالت در آنها هست. البته بعضی از مجلات هستند که مثلاً جنبه هنری مطالب بر سایر مطالب مندرج در آنها غالب است. یا اینکه صرفاً "مجلاتی فرهنگی یا ادبی یا فنی هستند ولی با این همه باز هم مطالب مشترک در آنها یافت می‌شود. از آنجا که می‌بایستی همه این مجلات و رسائل و مقالات بطور جدا جدا، از نقطه نظر موضوعی در محتوی دسته‌بندی می‌شدند در رابطه با همین مسئله جدا سازی و ردیف بندی، دوستان می‌رفتند و می‌آمدند و با افرادی دعوت می‌شدند و مشورت‌هایی صورت می‌گرفت. تا اینکه یکی از دوستان مسئله را به طور جدی تعقیب کرد و همین مسئله باعث شد تا با روش "نمایه‌سازی" آشنا شویم.

روش نمایه‌سازی در ساده کردن مشکلات نوعی اعجاز می‌کند که خدمتان عرض می‌کنم: فرض می‌کنیم شما سندی دارید که وقتی آنرا مطالعه کنید متوجه می‌شوید پنجاه موضوع مختلف در مطالب این سند موجود است که بایستی طبقه‌بندی شوند. خوب، اگر ایس سند را پنجاه بار تکثیر بکنید ضمن اینکه حجم عظیمی را اشغال می‌کند باز هم مشکلاتی را موجب می‌شود. اما روش نمایه‌سازی کمک می‌کند تا یکبار برای همیشه این اسناد را مطالعه کنیم و کل موضوعاتی را که در نظر داریم با همان یکبار مطالعه طبقه‌بندی کنیم تا برای همیشه قابل استفاده بماند.

در حال حاضر فرض کنید بنیاد تاریخ هزار

موضوع دارد. که این هزار موضوع برای بنیاد از حساسیت خاصی برخوردارند. فرض کنید آمریکا، اروپا و کشورهای هر کدام به صورت جداگانه، شوروی و کشورهای مختلفی که به دلیلی با مسائل ایران تماس داشته اند، اینها موضوعات هستند. دولت هایی که بوده اند مسائل اقتصادی بطور کلی و شرکت هایی که هستند، این ها هم موضوعاتی هستند که با آنها سر و کار داریم و مورد حساسیت ماست. چیزی نزدیک به هزار موضوع مختلف، در این رابطه جزوهای هم تهیه کرده ایم که در بازدید می توانید ملاحظه کنید. این موضوعات که طبق حروف الفبا ردیف شده در اختیار بخش نمایه سازی است این بخش منابع ما را مطالعه می کند و هر کدام از این هزار موضوع در هر سندی که باشد ثبت و دسته بندی می شود و آن وقت بعد از یک مدتی فرض کنیم یک کسی بخواهد تمام مسائلی که آمریکا در سال ۱۳۴۰ در ارتباط با جنبه های اقتصادی که در ایران داشته بررسی کند، براحتی همهء مطالب به وسیله بخش نمایه سازی در اختیارش قرار خواهد گرفت.

البته این شیوه، شیوهای است که لاجرم یک آرشیو مکانیزه را به انسان تحمیل می کند ما برای این موضوع هم اقدام کرده ایم. و فکر می کنم تا چهار ماه دیگر این آمادگی را داشته باشیم که بعد از حک و اصلاح مطالب و مندرجات، از کامپیوتر هم استفاده کنیم و کاری را که نمایه سازها انجام داده اند برای تغذیه کامپیوتر آماده باشد. این خلاصه ای بود از قضیهء تشکیل بخش نمایه سازی.

مشکلات دیگری هم در بخش های دیگر داریم که تشریح آنها را به فرصتی دیگر واگذار می کنم. لازم است در جمع شما دوستان مطرح کنم مجلهء " حوزه " که واقعا" یک نشریه موثر برای نسل بالندهء انقلاب و دوستان ما در حوزه های دینی می باشد می تواند مشکلات ما را با جامعه در میان بگذارد.

مهمترین مشکلی که ما با آن روبرو هستیم کمبود نیروی انسانی است. مستحضر هستید که تاریخ در بین مسلمین کلا" مهجور بوده و در بین شیعیان داستان مفصلی دارد. من نمی خواهم روضهء تاریخ را در اینجا بخوانم اما اجمالا" وقتی شما تاریخ ربع قرن اخیر را می خواهید بنویسید این تاریخ نمی تواند بی بوته و حسب و نسب نوشته شود خواه ناخواه بایستی حسب و نسب این تاریخ معلوم باشد. این تاریخ را به کجا می خواهید وصل کنید. کشورهای دیگری که الان حالت قطب های سیاسی را به اصطلاح دارند این کار را کرده اند. یعنی با تشکیل آکادمی های علمی بزرگ، تاریخ را از ابتدای پیدایش انسان تا دوران معاصر به همان صورتی که سیاست و بینش سیاسی شان ایجاب می کند نوشته اند. حتی جلوتر رفته و برای ما هم تاریخ صادر کرده اند مثلا" آکادمی تاریخ شوروی برای ما چندین و چند کتاب تاریخ مثل اسلام در ایران یا تاریخ مشروطیت و غیره تهیه کرده است. حالا ما می خواهیم تاریخ خودمان را بنویسیم. اگر بخواهیم این کار را بکنیم تاریخ ما با آن مطالبی که این آکادمی ها تهیه

کرده اند نمی خواند. تاریخ ما از تبار تاریخ انبیاء الهی است اما در عین حال یک تاریخ انبیاء درست و حسابی نداریم، تاریخ اسلام نداریم. تاریخ مبارزات شیعه نداریم، تاریخ حوزه های علمیه نداریم این حوزه های علمیه کارنامه هزارساله فرهنگی و سیاسی دارند ولی این حضور تاریخی در کجاست؟ تاریخ انقلاب اسلامی ما که از تبار عاشورا و تاریخ انبیاست بایستی نوشته شود همه اینها دنیای عظیمی کار می خواهد. زمان می خواهد تا نیروهای متخصص خوب و متعهد ما نسبت به انقلاب اسلامی توجیه شوند.

من تا بحال با پیش از صد استاد تاریخ بطور مستقیم یا غیر مستقیم تماس و برخورد داشته ام ندیده ام افرادی را که واقعا " جریان و تاریخ این انقلاب را لمس کنند. این اشکال یک طرف قضیه است از طرف دیگر همانطور که می دانید نیروهای انقلابی ما هم آن تخصص و کارآیی لازم را ندارند. البته بنده معتقدم که نسل ما بیشترین استعداد را برای تاریخ نگاری دارد چون نسل ما یک نسل تاریخ ساز است و طبعا " یک نسل تاریخ ساز، تاریخ شناس هم هست و می تواند تاریخ نگار باشد. به این دلیل عرض می کنم که نیروهای انقلابی ما در این ربع قرن اخیر در تاریخ خودشان حضور فعال داشته اند و بسیاری از مسائل را که دیگران در اطاق های مطالعه و محیط های بسته بصورت تئوریک بایستی مطالعه کنند اینها عملا " تجربه کرده اند.

بد نیست عرض کنم که در این روزهای اخیر

آقای محیط طباطبائی لطف کرده بودند و پیامی برای من داده بودند. پیام بصورت کمی شوخی و جدی بود که: به فلانی سلام ما را برسانید و بگوئید کسی که طبیب نیست طبابت نمی کند. من خیلی دلم می خواهد که در یک فرصتی این معنا را تعقیب کنم ما واقعا " معتقد نیستیم کسی که طبیب نیست طبابت کند. اما ما بالاخره می خواهیم این تاریخ را بنویسیم و غیر از این هم هدفی نداریم. برای همین هر جا که با یک نیرویی برخورد کنیم که استعداد تاریخ نگاری داشته باشد و بینش ضد اسلامی هم نداشته باشد و با انقلاب هم یک خرده آشنایی داشته باشد با کمال خضوع از او استقبال می کنیم. اما یک چنین موردی تا حالا پیش نیامده. اما من امیدوارم که بعد از این پیش بیاید. به هر صورت این کمیود شدیداً " حس می شود که ما هم تصمیم داریم این کمیود را با پرورش استعدادها برطرف کنیم. در استفاده از نیروها معتقدیم که هم از نیروهای متخصص می شود استفاده کرد و هم از این همه استعداد قابل پرورش. در واقع نه آنقدر حساسیت داریم که به علت وجود کمی اختلاف سلیقه و بینش از همه چیز صرف نظر کنیم و نه اینکه آماده هستیم همه مسائل و ارزش های انقلابمان را فدای خوش آمد و بد آمد اشخاص کنیم. مجموعاً " معتقد به یک تلفیق درست و اصولی بر اساس ضوابط و معیارهای صحیح اسلامی هستیم.

در اینجا لازم می دانم تشکری بکنم از همه نهادها و دستگاه هایی که تا این مرحله ما را

یاری کرده‌اند بویژه تشکر کنم از حضرت امام که در حقیقت برکت کمک ایشان رمز موفقیت بنیاد بوده است. همچنین از وزارت ارشاد اسلامی که بی دریغ کمک کرد و من اینجا مخصوصاً "از برادر بسیار عزیزمان آقاسای علیمحمدی که واقعا" بیش از حد توانشان در

و در حقیقت هر دو فضا را درک کرده‌اند. آقای شکوری هم عهده دار بخش رجال هستند و کار تهیه فهرست رجال مربوط به تاریخ معاصر را انجام می‌دهند کار دیگری را هم در دست دارند که تدوین علمی رجال شناسی تاریخ است به نظر من انجام این کار



جهت حل مشکلات بنیاد تلاش کرده‌اند و مجدداً "تشکر را عرضه می‌کنم به بنیاد شهید، بنیاد پانزده خرداد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، آموزش و پرورش، مرکز نشر دانشگاهی و اخیراً" وزارت کشور که ما را از کمک بیدریغ خودشان بهره‌مند کرده‌اند.

یک موفقیت بزرگ به حساب می‌آید، آقاسای کلهر هم مسئول بخش فرهنگی و هنری هستند که قبلاً "راجع به سوابق ایشان صحبت کردیم. آقای پروین زاد که بیشترین اطلاعات را در مورد نمایه سازی دارند مسئول بخش نمایه سازی بنیاد هستند. امور مربوط به اسناد و مدارک را هم آقای دکتر وحدتی سرپرستی می‌کنند، آقای مدرسی هم مسئول بخش سیاسی و اقتصادی هستند که من با کار ایشان آشنایی اجمالی دارم. بخش خاطرات را هم می‌رویم و از نزدیک می‌بینیم. البته جناب آقای پرویز خرسند هم که تازه مدتی است خدمتشان هستیم در مورد فصلنامه "یاد" همکاری ما هستند و عمدتاً "بار ایمن فصلنامه روی دوش ایشان هست و خواهد بود و انشالله ما آروزهای زیادی در مورد کارهای آینده ایشان داریم ■"

فکر می‌کنم که برادران عزیزمان یک توجیه ذهنی اجمالی شده باشند بنابراین آمادگی داریم در خدمتشان باشیم تا بخش‌ها را بازدید کنند و اگر سوالی هم باشد ضمن بازدید، مسئولین بخش‌ها پاسخگو خواهند بود.

بخش مسائل نظری ما را آقای طاهری سرپرستی می‌کنند که بعضی از دوستان هم با ایشان آشنایی دارند. ایشان هم سابقه طلبگی دارند و هم استاد دانشگاه هستند.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی